

سید الحکما میرزا ابو الحسن جلوه

سید الحکما میرزا ابوالحسن بن سید محمد طباطبایی معروف به حکیم جلوه

(ولادت 1238 - وفات 1314 ق)

از مشاهد اساتید و مدرسین فلسفه اسلامی است

وی در طبقه بندی فیلسوفان اسلامی که توسط شهید مطهری صورت گرفته در طبقه بندی سی ام یعنی طبقه حاج ملا هادی سبزواری قرار دارد.¹

لقب وی را سید الحکما دانسته اند از باب تسلط وی به فلسفه سینوی و بسیاری تعلیقاتی که بر آثار حکما و فلاسفه نوشته بود.

شرح احوال :

میرزا ابوالحسن جلوه از جمله کسانی است که شرحی از زندگی خود نگاشته وی در این شرح تاریخ ولادت خود را اینگونه ذکر کرده :

« من در احمد آباد گجرات در ذی قعدة يك هزار و دويست و سی و هشت متولد شدم.² »

نَسَب سیدالحکما، چنانچه خود بیان می کند پس از شش واسطه به متکلم و حکیم مشهور میرزا رفیع الدین نایینی طباطبایی می رسد.³

وی پس از مدتی اقامت در احمد آباد و بمبئی هند ، همراه پدر به زواره اصفهان سفر می نماید ، میرزا ابوالحسن سن خویش را هنگام ورود 7 سال بیان داشته و وفات پدر خویش را نیز 7 سال پس از ورود به زواره ذکر می کند.⁴

نقطه عطف در زندگی میرزا ابوالحسن جلوه :

پس از فوت پدر ، میرزا ابوالحسن جلوه به دلیل نداشتن مری و راهنما اوقات را به همراه برخی در در منطقه ای خوش آب و هوا در

بیرون زواره به بطالت می گذراند .

تا اینکه به نقل خود :

« روزی آسیابانی که از دیر باز به خاندان ما ارادتی داشت ، مرا به سوی خود خواند ، مرا گفت : پدران تو همه اهل فضل و کمال و

... بودند تو چرا پیروی آنان نمی کنی و در راه دانش قدم نمی زنی ؟ ... گفتیم : نیکوگفتی خدایت پاداش نیک دهد . مرا از خواب

غفلت بیدار و از مستی جهالت هوشیار کردی . اکنون بگوی تا مرا چه باید کردن ؟

گفت : به ترک زواره گفته به اصفهان روی و کربت غربت را تحمل نموده به تحصیل علم کوشی که سرمایه عزت و سعادت دنیا و آخرت علم است و بس .

میرزا ابوالحسن جلوه گوید : من همان روز عازم حرکت به اصفهان شدم و آنچه یافتیم از اثر گفتار آن آسیابان یافتیم.⁵»

وفات :

میرزا ابوالحسن جلوه پس از هجرت به اصفهان و تلمذ در محضر اساتید مختلف که ذکر آنها در ذیل خواهد آمد ، به قصد رفتن به

سبزوار و استفاده از محضر حاجی سبزواری به تهران آمد ولی از عزیمت به سبزوار منصرف گردید. و در تهران رحل اقامت گزید.⁶

و تا پایان عمر در تهران ماند .

سید الحکما در شب جمعه ششم ذی القعدة سال 1314 هـ. ق ، مطابق با 1275 هـ. ش و 1896 میلادی ، در سن 76 سالگی در تهران به رحمت ایزدی پیوست و در شهر ری در جوار ابن بابویه به خاک سپرده شد.⁷

گویند به جهت فراهم نمودن مقدمات تدفین وی جنازه حکیم یک هفته در ابن بابویه در دخمه ای قرار داشت ، هنگام دفن پس از گذشت یک هفته جنازه اش ابداً تغییری نکرده بود و بوی بدی نیافته بود.⁸

اساتید :

در بیان اساتید حکیم جلوه اختلاف اندکی وجود دارد .

شهید مطهری اساتید حکیم جلوه را اینگونه ذکر می کند :

جلوه شاگرد میرزا حسن نوری و میرزا حسن چینی از شاگردان ملا علی نوری است.⁹

مرتضی مدرس چار دهی سلسله اساتید او را به ملا محسن فیض کاشانی می رساند.¹⁰

میرزا طاهر تنکابنی ، در تایید نقل خود سیدالحکما در شرح حالش ، استاد او را میرزا محمد حسن حکیم دانسته و شاگردی آخوند ملا علی نوری را نیز برایش ذکر می کند.¹¹

شیخ جابر انصاری ، سیدالحکما را هم درس پدر خویش و شاگرد میرزا حسن حکیم و ملا عبدالجواد تونی خراسانی (متوفای 1281 ق) ، به مدت بیست سال دانسته .¹²

استاد منوچهر صدوقی سها اساتید وی را علاوه بر میرزا حسن (ابن آخوند ملا علی نوری) ، کسانی همچون :

1 - آقا میرزا حسن چینی ، که احتمالاً همان میرزا حسن جیلانی باشد .

2 - استاد الحکماء ملا عبد الجواد التوفی الخراسانی

3 - حاج ملا جعفر لنگرودی ، ذکر کرده است.¹³

مکتب فلسفی :

گرایش اصلی میرزا ابوالحسن حکمت مشاء بوده است و به حکمت متعالیه انتقاداتی وارد کرده است . شهید مطهری(ره) ،
میرزا

ابوالحسن جلوه را طرفدار حکمت ابوعلی سینا دانسته و می گوید: « (وی) به فلسفه ملا صدرا اعتقاد چندانی نداشته است
»¹⁴.

شاگردان:

شهید مطهری اکثر شاگردان میرزا ابوالحسن جلوه، حکیم محمد رضا قمشه ای و آقا علی مدرس که، در اواخر قرن سیزدهم و اوایل

قرن چهاردهم حوزه تهران بر محور وجود آنها می گردید، را مشترک دانسته است.

از شاگردان سید الحکماء می توان به:

1 - میرزا ابراهیم سعید العلماء لاریجانی .

2 - آقا میرزا ابراهیم ریاضی .

3 - میرزا ابوالفضل گلپایگانی .

4 - آقا سید احمد بهبهانی .

5 - آقا سید احمد کجوری .

6 - آقا سید اسد الله خرقانی .

7 - شیخ اسد الله یزدی .

8 - آقا شیخ اسماعیل محلاتی .

9 - حاج آقا باقر درب امامی اصفهانی .

10 - میرزا باقر خان حکیم صبوری .

11 - آقا میرزا جعفر آشتیانی .

12 - حاج فاضل رازی .

13 - آقا سید حسن صاحب الزمانی .

14 - آقا میرزا طاهر حکیم تنکابنی و

(استاد منوچهر صدوقی سها شاگردان سید الحکماء را 86 تن دانسته.¹⁵

آثار :

جملگی آثار میرزا ابوالحسن جلوه که تاکنون شناسایی شده بیست و شش اثر می باشد که به گفته نویسنده (مجموعه آثار حکیم جلوه ،

جلد اول) تنها 12 اثر آن به چاپ رسیده ، به شرح ذیل است :

1- تصحیح تمهید القواعد ابن ترکه .

2- تصحیح شفاء شیخ .

3- تصحیح مثنوی معنوی .

4- تصحیح مصباح الانس قاضی حمزه فناری .

5- تعلیقه اسفار با اشاره به برخی از منافع آن .

6- تعلیقه تمهید القواعد ابن ترکه.

7- تعلیقه الدرّة الفاخره محقق جامی که احتمالاً همان « رساله‌ی وجود» باشد .

8- تعلیقه شرح ملخص چغمینی .

9- تعلیقه شرح منظومه سبزواری .

10- تعلیقه شرح الهدایه‌ی ملاصدرا .

11- تعليقه شفاء شيخ .

12- تعليقه مبدأ و معاد ملاصدرا .

13- تعليقه مثنوى معنوى .

14- تعليقه مشاعر ملاصدرا .

15- تعليقه مصباح الانس .

16- تعليقه مقدمه شرح قيصرى بر فصوص الحكيم .

17- رسالة فى بيان كيفية استجابة الدعا .

18- رسالة فى القضية المهملة هى القضية الطبيعية .

19- رسالة فى التركيب و احكامه .

20- رسالة فى الجسم التعليمى .

21- رسالة فى الحركة الجوهرية

22- رسالة فى ربط الحادث بالقديم

23- رسالة في الكلى و اقسامه

24- رسالة في وجود الصور النوعيه

25- رسالة في الوجود

26- مقدمه مختصره ديوان مجمر طباطبائي¹⁶.

سخنان ، جملات ، حكايت ها :

1 - اشعار :

در شعری درباره حضرت علی علیه السلام گفته است :

غمخوار موسی نباشد الا هارون

غیر علی کس نکرد خدمت احمد

هست به انواع معصیت ها مرهون

تیره روانم اگر چه از ره تحقیق

آری شوید همی پلیدی سیحون

ز آب مدیحش ز خویش جمله بشویم

قصیدهای منصوب به حکیم جلوه :

خویش بنشناسی ای فرو شده در تن

تن بپهل این غفلت دراز، پرا کن

چند نمایی که تو منیبنه این ریو

ای تن خاکی که نیستی تو همی من

وقتی اگر جان فسرده گردد نالان

از قبل رنج تن خلاف مبر ظن

زانکه گهی افتد آنکه پژمان گردد

مرد ز ویرانی سرای نشیمن

دلت در این غمکده نگرده شادان

خواه به گلشن خرام و خواه به گلخن

گردون چون هاون است کو به حوادث

نرم شدم اندرین مطبق هاون

ذره ای از مهر این جهان سدر راهست

رمزی از این دان حدیث عیسی و سوزن

دامن تو قدسیان به لابه بگیرند

گر تو بر این خاکیان کشانی دامن¹⁷

ایضا له :

گر چه ندانم کجاست بارگه و کوی دوست

لیک به دل می رسد از همه سو بوی دوست

ایضا له :

مرا به دل همه شوق بهشت بود به عمر

چو نور روی تو دیدم نماند شوق بهشت

ایضا له :

من خسته و نزارم لیکن به گرد خویش
بینم به چشم غیب یکی آهنین حصار

آن آهنین حصار چه؟ گریه است بر حسین
آن گوهری که گشته به دوش نبی سوار

2 - سخنان و جملات در فلسفه :

1 - حرکت جوهری :

نظر سید ابوالحسن جلوه درباره حرکت جوهری به قرار زیر است :

« دلیل عمدی بر حرکت جوهری آن است که مبداء همه حرکت ها - چه طبیعی ، چه ارادی و چه قسری - طبیعت جوهری است . »

مبداء شیء متجدد باید خودش متجدد باشد ، پس طبیعت ذاتاً باید متجدد باشد .¹⁸

2 - رد وحدت شخص وجود :

« القول بوحدل الوجود بمعنی - ان الوجود هو الواجب بعینیه و بذاته ، یكون ساریاً فی جمیع الموجودات و یتعین بجمیع التعینات و لا

يكون له مرتبه خارجه منفكه عن تلك التعنيات - باطل ، لانه ان كان الوجود اذا لم يتعين بمرتبه مخصوصه ، لم يصر منشاء لا نزع

معنى مخصوص وهايه مخصوصه و لا شك ان العقل لا يتنزع من الوجود المخصوص كالانسان مثلاً حد مخصوص.¹⁹

3 - اتحاد عاقل و معقول 1 :

در فرض اتحاد نفس يا معقول ، اگر معقول وجود على حده داشته باشد و نفس نیز دارای وجود على حده باشد محال است که نفس عين معقول باشد ، چون اتحاد دو وجود متباين محال است .²⁰

4 - اتحاد عاقل و معقول 2 :

مستعد هیچ گاه متصل از عقل و مفيض نیست بلکه دائماً متصل و متحد است و همیشه عاقل با معقول مطلقاً متحد است .²¹

5 - جسم تعليمی :

لا يكون الجسم التعليمی مرگبا من الجوهر و العرض ، بل يكون عرضاً فقط²²

3 - سخنان و جملات و توصيه ها (عرفان) :

1 - راه سخت و دشوار است :

« حسرت و دريغ خود را می خورم که دير يا زود از اين سراي بايدم رفت و راهی سخت دور و صعبناک در پيش دارم و

زاد و

راحله ای فراهم نکردم که مرا به منزل مقصود رساند²³

2 - آنجا درستی خواهند :

« به دانش و بینش اعتماد و اتکال نشاید کرد ، به طاعت و عبادت غره نباید بود که در آنجا خرمی طاعت به جویی نخرند و

خرواری از حکمت به پیشیزی نگیرند .

راستی و درستی خواهند و عجز و نیاز طلبند ، این تن ضعیف و دل خسته می خردند .²⁴

3 - مرید و مراد :

فکر می کردم که آیا مرید خرتراست یا مراد ؟ بالاخره دانستم که مراد گوی سبقت را از میدان خربت برده است زیرا مرید به تصور

اینکه در پیش مراد خبری هست سر تسلیم فرود آورده ولی مراد که خود می داند درون خرقه چیزی و داخل صندوقش پیشیزی نیست

باز هم دست از لاف و گزاف بر نمی دارد و خودش را رجل می پندارد .

4 - جنون علاقه ، 1)

هر کس به هر چیزی غیر از خدا علاقه پیدا کند جز دیوانگی علتی ندارد ، همه چیز فانی است غیر از ذات الهی .

5 - جنون علاقه ، 2)

حس کردم به این چند جلد کتابی که دارم ، مابین همه چیزهای دنیا ، به آنها دلبستگی دارم ، فهمیدم این از جنون است .
به پزشکان

رجوع کردم که برای مرض جنون علاقه چه درمانی باید کرد ؟ گفتند : باید چهل روز ناشتا شیر بز بخوری ! من این کار را کرده ام

ولی فایده نداشته و هنوز هم علاقه مندم و از این جهت یقینم حاصل شد که دیوانه ام !

لطفا بدون ذکر منبع از این مطالب استفاده نکنید

منابع :

- 1 - خدمات متقابل اسلام و ایران ، شهید مرتضی مطهری ، انتشارا صدرا ، چاپ دوازدهم ، 1362 ، صفحه 608
- 2 - تاریخ حکماء و عرفای متاخر ، منوچهر صدوقی سها ، انتشارات حکمت ، چاپ اول ، 1381 ، صفحه 467
- 3 - همان ، ص 468
- 4 - همان
- 5 - همان ، ص 469
- 6 - خدمات متقابل ایران و اسلام ، ص 609
- 7 - مجموعه آثار حکیم جلوه ، میرزا ابوالحسن طباطبایی ، جلد اول ، چاپ اول ، 1385 هـ . ش ، انتشارات حکمت ، ص 41
- 8 - تاریخ حکماء و عرفای متاخر ، ص 484
- 9 - خدمات متقابل اسلام و ایران ، ص 608
- 10 - تاریخ فلاسفه اسلام ، مرتضی مدرس چاردهی ، موسسه مطبوعاتی علمی ، تهران 1366 ، ص 33
- 11 - مجموعه آثار حکیم جلوه ، ج 1 ، ص 26
- 12 - همان ، ص 28 به نقل از بدایع النوار ، شیخ جابر انصاری ، ص 30
- 13 - تاریخ حکما و عرفای متاخر ، ص 470
- 14 - خدمات متقابل ایران و اسلام ، ص 609
- 15 - ر. ک به تاریخ حکما و عرفای متاخر ، صص 483 - 475

- 16 - تاریخ حکماء و عرفای متاخر ، صص 475 - 473
17 - تاریخ حکماء و عرفای متاخر ، ص 472
18 - مجموعه آثار حکیم جلوه ، جلد اول ، ص 55
19 - همان ، ص 79
20 - همان ، ص 452
21 - همان ، ص 452
22 - همان ، ص 598
23 - مجموعه آثار حکیم جلوه ، جلد اول ، ص 55
24 - همان ، ص 37

لطفا بدون ذکر منبع از این مطالب استفاده نکنید